



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

انتظار عامل مقاومت

برج مائید حضرت آیت اللہ العظمیٰ
آقای علما شیخ طہرت اللہ سہانی کھپا پکاشی بنگلہ دیش

پرست مجید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار عامل مقاومت (سلسله مباحث امامت و مهدويت 10)

نويسنده:

آيت الله العظمي لطف الله صافي گلپايگاني

ناشر چاپي:

دفتر آيت الله لطف الله صافي گلپايگاني

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انتظار عامل مقاومت (سلسله مباحث امامت و مهدویت ۱۰)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۱	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۲۳	پیام منتظر
۲۹	مناجات و نیایش
۴۳	به سوی هدف های اسلامی
۴۶	پیروزی اسلام بر همه ادیان
۵۳	انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری های فاسد
۵۹	انتظار و وعده الهی
۶۴	آینده جهان در کلام الهی
۷۳	انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف
۷۶	انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف
۷۷	حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی
۸۳	مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت
۸۷	ارزش انتظار در قرآن و حدیث
۹۱	ارزش انتظار
۹۳	اسلام و انتظار
۱۰۱	انتظار جامعه شیعه
۱۰۴	عامل بقا
۱۰۴	دیدگاه وسیع

۱۰۶----- نیمه شعبان

۱۰۹----- کتاب نامه

۱۱۳----- درباره مرکز

انتظار عامل مقاومت (سلسله مباحث امامت و مهدویت 10)

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، 1298 -

عنوان و نام پدیدآور : انتظار عامل مقاومت [کتاب] / صافی گلپایگانی.

وضعیت ویراست : [ویراست 2].

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، 1435ق.= 1392.

مشخصات ظاهری : 106ص.؛ 14×21 س م.

فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت ؛ 10.

شابک : 30000ریال: 7-82-5105-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتاب حاضر با عنوان "انتظار عامل مقاومت و حرکت" نیز منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص. [103] - 106 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : انتظار عامل مقاومت و حرکت.

موضوع : مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره : BP224/4/ص2الف8 1392

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 3312690

ص: 1

اشاره

انتظار عامل مقاومت

صافی گلیپایگانی

ص: 2

مقدمه. 5

پیشگفتار. 11

پیام منتظر. 17

مناجات و نیایش.... 23

به سوی هدف های اسلامی.. 37

پیروزی اسلام بر همه ادیان. 40

انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری های فاسد. 47

انتظار و وعده الهی.. 53

آینده جهان در کلام الهی.. 58

انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف.. 67

حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی.. 71

مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت.. 77

ارزش انتظار در قرآن و حدیث.. 81

ارزش انتظار 85

اسلام و انتظار 87

ص: 3

انتظار جامعه شیعه. 95

عامل بقا 98

دیدگاه وسیع. 98

نیمه شعبان. 100

کتاب نامه. 103

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانیمدظله الوارف در یک نگاه. 107

اسلام و انتظار 87

ص: 4

بسمه تعالی وله الحمد

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است.

از متن کتاب

انتظار، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه السلام، و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، و در وجود انسان شعله می کشد و انواع دگرگونی ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می نماید که بحث و سخن از آنها نیازمند به حال و مجال بیشتری است.

این کتاب که در مقام بیان ارزش و اهمّیت انتظار مؤمنین برای ظهور

ص: 7

مولا، حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام می باشد، در بررسی اثرات انتظار، به تبیین تأثیرات اجتماعی آن پرداخته، این امر را از زوایای گوناگون روشن می سازد، و تعهدات و وظایف یک منتظر را در قبال مقدمات ظهور و جامعه جهانی و مسلمین آشکار می گرداند.

این کتاب که نخستین بار، سال ها پیش تر از این، در دوره ننگین طاغوت منتشر شده بود، هم اکنون برای بار دیگر با تغییراتی اندک به خدمت منتظران و علاقه مندان به آستان قدس امام زمان، حضرت ولی عصر علیه السلام تقدیم می گردد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ» (1)

«سپاس خدا را که بیمناکان را آسودگی و ایمنی، و شایستگان را رهایی می بخشد و مستضعفان را بالا می برد و بلندمرتبه می گرداند، و مستکبران را خوار و پست و پادشاهانی را هلاک می کند، و دیگران را به جای آنها می نشاند».

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (2)

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق

ص: 8

1- . طوسی، مصباح المتعجب، ص 579 - 580؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 140 (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام).

2- . توبه، 33.

فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند!».

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (1)

«در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ:

أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا،

وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ، لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ،

وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ»؛ (2)

«سه صفت است که در هرکس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است:

1- خدا و پیامبر خدا نزد او، از هر چیز و هرکس محبوب تر باشند.

2- هرکس را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

3- بعد از نعمت اسلام، از بازگشت به کفر (ارتداد و ارتجاع) کراهت داشته باشد، چنانچه افکنده شدن در

آتش را کراهت دارد».

ص: 9

1- . انبياء، 105.

2- . بخاری، صحیح، ج 1، ص 9 - 10؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج 1، ص 524.

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه ها و اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمان و هرکس که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، مدنی، معنوی و مادی آن آشنا شود، لازم است. چنانچه فهم جوانب ایجابی و سلبی و مثبت و منفی دین، ارتباط آن با عمل و ترقی و کمال، بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، بهتر زیستن و ظهور ارزش های انسانی، همه و همه منوط به دریافت درست این اصطلاحات است.

اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی آنها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع گشته و هدف های واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی به طور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورت دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر

نخواهد بود؛ زیرا موجب سوء ظن و بدگمانی و برداشت های غلط و ناروا از دین می گردد؛ تا آنجا که مترقی ترین و کامل ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی عدالتی و نابرابری می پندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره گیری می شمارند.

از این نظر، معرفی مفاهیم واقعی هدف ها و تعلیمات و ارشادات دینی در هر رشته، و ارتباط آن با عمل و اخلاق و تحرک و فعالیت و کوشش و مبارزه و مقاومت و جهش و پیشرفت، کمال اهمیت را داراست؛ به خصوص در زمان ما که بیگانگان می خواهند با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، جامعه و به ویژه نسل جوان را گمراه و از آگاهی های کافی پیرامون اصطلاحات و شعائر دین محروم نمایند، در معرفی مفاهیم یادشده، توجه و دقت بیشتر لازم است.

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جوایز حقیقت و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است، مانند:

زهد، قناعت، توکل، تسلیم، قضا و قدر، علم غیب، شفاعت، ولایت، خلافت، امامت، وصایت، تقیه، دعا، زیارت، نظام مستمر حکومتی اسلام در عصر حضور امام و عصر غیبت، فلسفه غیبت امام، روش

تشیع و شیعه بودن، مرجعیت و ... و از جمله: انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی اهل بیت و قائم آل محمد علیهم السلام است.

اگرچه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهی های افراد، در اذهان محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن - چنان که باید - سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد، عرضه شده است و در جهت جنبش و تحرک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی الله (محبت به خاطر خدا)، بغض فی الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء الله از آن بهره برداری نشده؛ بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازش کاری، وقوف، تسلیم، مدارا کردن با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش نمودن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقت و مسکن نگرانی ها و نارضایتی های جامعه از بی عدالتی ها و فشارها و نابرابری ها و مفسد دیگر می پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوت و حدّتش

افزود تا همه تباهی ها و نابسامانی ها و بشرپرستی ها و استعبادها

و استضعاف های گوناگون را بر باد دهد، فرو می نشاند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن کاخ های ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن تر شود، آب می ریزد.

لذا برای رفع هرگونه سوء تفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع؛ بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست ناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجهات، و عرض ادب ها به ساحت مقدّس و باعظمت حضرت بقیه الله فی الارضین علیه السلام بخشی از کتابی را که در دست تألیف دارم، به کسانی که می خواهند از مفهوم صحیح انتظار، ظهور و ارزش حقیقی آن آگاه گردند، تقدیم می نمایم.

ص: 16

بیا صبا بیر از این گدا یکی پیغام
به سوی پادشه مُلک جان، امام انام
که ای طفیل وجود تو آنچه در گیتی است
که ای یگانه دوران و مفخر ایام
کنون که صفحه گیتی است پر ز جور و ستم
ز عدل و داد به عالم نمانده غیر از نام
فساد کرده جهان را چو شام هجران تار
صلاح رفته چو روی تو در حجاب غَمام (2)
چه شام ها که به امید وصل گشت سحر
چه صبح ها که نمودیم در فراق شام
تو آفتاب وجودی، روا مدار دگر
به زیر سایه غیبت کند رخ تو مقام

ص: 19

-
- 1- . اشعار از قصیده «پیام منتظر» از دیوان عالم فقیه، مرحوم آیت الله آقای آخوند ملا محمدجواد صافی + والد مؤلف کتاب است.
 - 2- . غمام: ابر تیره.

نهیم در ره تو چند دیده امید

در انتظار تو تا کی به سر بریم ایام؟

خوش است گر بنمایی به عاشقان رویی

که جلوه ایش کند زنده دل خواص و عوام

به کعبه تکیه نمایی و مخلصان بینی

پی طواف درت بسته سر به سر احرام

در آرز پرده که از دین نماند رسم و اثر

به جان دشمن دون، زن شرر ز برق حسام⁽¹⁾

بیا که از تو شود پر ز عدل و داد جهان

بیا که از تو شود، فتنه جهان آرام

بیا که از تو شود نسخ، رسم استبداد

جهان درآید به زیر پرچم اسلام

بیا که منتظران را به لب رسید نفس

بیا که طاقت ما طاق گشت و صبر تمام

بیا و قطع نما ریشه های استضعاف

برای یاری دین خدا، نما اقدام

به یک نظر ز تو من قانعم شها، لطفی

خجسته آن که به دیدار خود کنی اش اکرام

ص: 20

جنود جهل نموده است روح من تسخیر

هوای نفس ز عقلم ریوده است زمام

کنم چه چاره به محشر ولات حین مناص(1)

کجا پناه برم من، و لیس لی معصام(2)

مگر ولای تو زین مستمند گیرد دست

به این وسیله ز یزدان نمایم استرحام(3)

اگر به «صافی» مسکین نظر کنی شاید

که از ولایت تو یافت دینش استحکام

ص: 21

1- . «و نیست آن زمان، زمان فرار و نجات».

2- . «و نیست برای من پناهگاه».

3- . استرحام: طلب رحمت و دلسوزی.

«اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهٖ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يُسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ»؛ (1)

«خدایا به سبب ظهور مهدی منتظر علیه السلام دین خود و سنت پیغمبر را آشکار کن، آن چنان که از بیم احدی از خلق، چیزی از حق پنهان داشته نشود، و حق گویی و حق پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد».

«اللَّهُمَّ إِنَّمَا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ، نُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَنُدِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ (2)

«خدایا! ما از تو دولت با کرامتی می خواهیم که به آن،

ص: 25

1- . طوسی، مصباح المتعجد، ص 581؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 142 (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام .)

2- . طوسی، مصباح المتعجد، ص 581؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 142 (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام .)

نفاق را خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت را برای ما روزی فرمایی.»

خدایا! تو را سپاس می گوئیم و هر کار و هر سختی را فقط با نام تو آغاز می کنیم و جز تو را نیایش و پرستش نمی نماییم و از غیر تو یاری نمی خواهیم.

چقدر از حقیقت و آزادی دور افتاده اند آنان که سخنان و کارهایشان را به نام سرکشان و ستمگران می گشایند و به شرک و بت پرستی می گرایند، و در برابر نابکاران و استضعاف گران به تملق و چاپلوسی و مدح و نیایش می ایستند و شرافت انسانیت خود را به طمع مال و مقام نابود می کنند.

خدایا! به بندگان برگزیده و نیک و فروتن که وجودشان از استکبار و استعمار و استبداد و استضعاف دیگران منزّه است، و به نمونه های رحمت و مهر و برابری و برادری و انسان دوستی و خیرخواهی؛ به پیامبرانی که برای راهنمایی بشر و آزادی انسان ها از ذلت و اسارت فرستاده ای، خصوصاً گرامی ترین و عزیزترین بنده ات، سرحلقه اصفیا، خاتم انبیا محمد مصطفی و خاندان پاک و پاکیزه اش درود می فرستیم و به آن شخصیت عظیمی که به فرمان تو کاخ های ستمگران را ویران، و بیدادگری و فساد و استبداد را ریشه کن می سازد و جهان را در پناه

حکومت اسلام و نظامات قرآن، از شرّ کفر و شرک و رژیم های فاسد و نظامات استعبادی و غیرانسانی نجات می دهد، حضرت ولی عصر و امان دهر، صاحب الامر حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام صلوات و سلام عرض می کنیم.

خداوندا! این آیه از کتاب بزرگ توست:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ (1)

«و چنین می خواهیم که بر آنان که در زمین به استضعاف گرفته شده اند، منت گذاشته و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

بارالها! تو وعده داده ای به آنان که در این زمین استضعاف می شوند و حقوق و آزادی و موجودیت شان مورد تعرض و دستبرد واقع می شود، منت گذاری و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی.

تو خواسته ای که ضعیفان، و آنان که از حقوق خود محروم شده اند، با ظهور مهدی علیه السلام ناگهان به پا خیزند و انقلاب کنند و با بزرگ ترین نهضت آزادی بخش، طاغیان و یاغیان و جباران را از صفحه زمین براندازند و به حیات زورمندان ستم کیش و قوی پنجگان ددمنش پایان دهند، و قصرهایشان را بر سرشان ویران، و جهان را از آلودگی عناصر کثیف ناپاک، پاک سازند.

ص: 27

آفریدگارا! تو وعده داده ای که مؤمنان و بندگان صالح و شایسته ات را به رهبری مهدی آل محمد علیهم السلام در زمین خلافت دهی، تا نهضت جهانی اسلام را علیه بیدادگران و کسانی که حقوق ضعفا را پامال، و بر آنها به زور حکومت می کنند.

و علیه سرمایه دارانی که اموال ملت ها را به یغما برده و رباخوارانی که با سرمایه گذاری در بانک ها، خون نیازمندان بی نوا را مکیده و به تهیدستان و افتادگان رحم نمی نمایند.

و علیه دانشمندانی که علم خود را وسیله کسب مال و جاه، و تقرب به فرمانروایان، و توجیه تجاوزات آنها قرار داده، و در برابر منکرات و ستمگری ها و فحشا و هتک نوامیس و تجاوز به احکام تو، قفل خاموشی بر دهن زده اند.

و علیه آنان که با حکومت و احکام تو مخالفت می کنند.

و علیه اجتماعات فاسدی که زن و مردش در منجلاب فساد و فحشا، نابکاری، بی عفتی و بی حجابی و خودفروشی غوطه ور شده اند، آن چنان انقلابی بی امان و دگرگون کننده و وسیع و همه جانبه برپا کنند که به تمام بدبختی ها، نابسامانی ها، نابرابری ها، بوالهوسی ها و تبعیضات خاتمه دهند، و رعب و وحشت و ترس و بیم بشر را از شکنجه و آزارهای روحی و جسمی، به امن و آرامش تبدیل سازند.

خدایا! این سخن محکم و مؤکد توست:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّ تَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (1)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده است که حتماً ایشان را در زمین جانشین و خلیفه قرار دهد - همان گونه که پیشینیان را خلافت بخشید - و دینشان را که برایشان انتخاب کرده و پسندیده است، پابرجا و برقرار سازد و آن چنان ترس و ناامنی آنان را به آرامش و امنیت تبدیل کند که فقط مرا پرستیده و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند».

الها! پایان امور از برای تو و بازگشت همه به سوی تو و سرانجام نیک برای بندگان و پرستندگان توست، آنان که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش تو و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین توست. آنان که در قرآن مجید در توصیفشان فرموده ای:

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

ص: 29

الرَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (1)

«آنان که اگر در زمین مستقرشان سازیم، نماز به پا می دارند زکات می دهند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان امور از برای خداست».

خدایا! تو اراده کرده ای که فرعونیان و هامانیان جهان را به کیفر برسانی و روز سیاهی را که از آن بیم دارند، به آنها بنمایانی. تویی که فرموده ای:

(وَأَنزَلْنَا فِي رُءُوسِهِمُ الْوَحْشَ وَالْحَمَامَ وَالشَّيَاطَانَ وَمَا كَانُوا يَحْذَرُونَ)؛ (2)

«و نشان دهیم به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را بیم داشتند».

خدایا! تو می دانی که در جهان، کسانی که تو را می پرستند و به عدالت، انسانیت، شرف، فضیلت و حقیقت ایمان دارند، مستضعف شده، و مستکبرین شرق و غرب و آنها که از تو بیگانه اند و اندیشه های شیطانی و آرمان های حیوانی دارند، قوی پنجه و سرکش گشته اند.

پروردگارا! تو آگاهی که ضعیف شمرده شدگان، از دست استضعاف گران و ستمگران چه می کشند و تو می دانی که زورمندان برای زیردستان، هر روز و شب چه نقشه های جنایت کارانه طرح

ص: 30

1- . حج، 41.

2- . قصص، 6.

می کنند و تودانایی که اگر از عدل، صلح، آزادی، مساوات، انقلاب، همکاری، همزیستی، دموکراسی، سوسیالیزم، رفاه و هر لفظ و اصطلاح دیگر دم می زنند، دروغ می گویند و این الفاظ را بهانه ای برای رسیدن به مقاصد خائنانه و تسلط بر بندگان تو و غارت کردن ثروت و ذخایر مالی و معادن آنها کرده اند.

تو می دانی که زورمندان بزرگ، همان ها که پرونده های خیانت و آلودگی ها و شهوت رانی هاشان، کثیف ترین و رسواترین پرونده ها است، چگونه می خواهند دنیا را یک لقمه کنند و خود و گروهشان، آن را یک جا ببلعند. و تو می دانی که سرمایه داران بزرگ دنیا - که بیشتر یهودی و یهودی منش هستند و دارایی های بی حساب را از غصب اموال کارگران مظلوم و توده های محروم اندوخته کرده اند و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و اخلاق بشر مسلط شده اند - همه را در مسیر ارضای شهوات و اندوختن سرمایه استخدام کرده اند و چه جنایت ها و قتل عام ها می کنند و چه جنگ هایی را برپا کرده و چه خون هایی را می ریزند. صدها هزار انسان بی گناه را در فلسطین از خانه و کاشانه خود آواره کرده و در بیابان ها و صحراها سرگردان ساخته و هر روز هم به بهانه ای به آنها حمله ور می شوند، وزن و بچه و کوچک و بزرگشان را می کشند.

بارالها! تو می دانی که تبعیضات نژادی چگونه به زور اقویا و زمامداران ملل متمدن نما، هنوز هم که هنوز است، قیافه زشت خود را نشان می دهد.

تو دانایی که بانوان به اسم آزادی و مساوات، غیر متساوی در اسارت افتاده و وسیله اطفای شهوت مردان شده، و امنیت و آسایش ندارند، و از حقیقت مقدّس و رمز متعالی رابطه ازدواج و محیط انس و اطمینان و پر مهر و لطف خانواده محروم شده اند، و روزبه روز این تمدن منحوس یا توحش قرن اتم، آنها را به سوی سیاه چال های سقوط پرت می کند.

تو آگاهی که در فرهنگ و تمدن غرب و شرق، غیرت، همت، فداکاری، عفت و نجابت، حجاب، حیا و آزر، چسان مفهومی مسخره و مبتذل و بی ارزش شده است که از آن چیزی جز لفظ باقی نمانده است.

خدایا! اگر ما به پانخیزیم و بنشینیم و این همه صحنه های گمراهی و تباهی را در جهان ببینیم و تکان نخوریم، در پیشگاه توبه شدت مسئول و مقصّریم.

همه سنت هایی که تو برقرار کرده ای، یار مظلومان و محرومانی هستند که برای برپاداشتن حقّ و مبارزه با جهل و ظلم و باطل قیام می کنند و جنود و امدادهای تو، همه پشتیبان حقّ پرستان و عدالت خواهان می باشند و برای نابودی ظلم و باطل، و ایجاد و گسترش حکومت حقّ و عدل، در کنار اهل حقّ و مجاهدان واقعی قرار دارند.

تو از مطبوعات دنیا، سینماها، مراکز فساد و فحشای سیاست ها، بازرگانی ها، فرهنگ ها و تعلیم و تربیت ها، و از همه اوضاع آگاهی

و می بینی که همه این نمونه ها، مظاهر انحطاط فکر بشر و گرایش او به سوی حیوانیت شده است.

جهان به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه زورمندان و استضعاف گران و جبهه اکثریت استضعاف شده.

خدایا! ما نمی دانیم وقت ظهور فرا رسیده یا نه؟! اما این قدر می دانیم که مستضعفیم، و اگر آن انقلاب تمام عیار مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و قتش نرسیده باشد، تو باید به ما همت و نهضت و شوق دهی تا به پا خیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را به دست گرفته و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف خداپرست، با صفوف فشرده و متحد، دین تورا یاری کنیم و احکام تورا حاکم سازیم و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم و به سوی آینده ای درخشان و اسلامی که نشانه آینده تابناک عصر حکومت مهدی علیه السلام باشد، پیش رفته و روز بیدادگر و دشمن دین تورا سیاه سازیم.

خداوندا! یأس و ناامیدی از رحمت تو در هیچ حال جایز نیست، و تو خود فرموده ای:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ (1)

«اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می نماید و گام هایتان را استوار می دارد».

ص: 33

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (1)

«و آنان که در راه ما جهاد کنند؛ البته آنان را به راه هایمان هدایت می کنیم، و خداوند هر آینه با نیکوکاران است».

و با وعده های صریح تو هیچ کس را در ترک یاری حق و یاری دین تو عذری نیست و انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده؛ بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانی ها و عقب ماندگی ها، و مخالفت با تحول و تکامل انقلاب اسلام است، که این انتظار، آن انتظاری که در قرآن و احادیث و روایات دستور داده شده، نیست.

ما را از انتظار بی هدف و بی معنا دور ساز و به آن انتظار حقیقی که عامل جنبش و حرکت و مبارزه و مقاومت است، هدایت و آشنا کن.

بارها! ما را به مسئولیت های خطیری که در برابر تو، نسبت به دین تو و کتاب و احکام تو داریم، راهنمایی فرما؛ و به ما توفیق

کامل عطا کن تا وظایف خود را در راه یاری هدف های عالی اسلام

ص: 34

و اجرای احکام آن و امر به معروف و نهی از منکر، نصب العین و برنامه خود قرار دهیم.

«رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ (1)

«پروردگارا! بر ما صبر و پایداری ببخش، گام هایمان را استوار بدار، و ما را بر قوم کافران یاری عنایت فرما».

ص: 35

1- . سوره بقره، آیه 250.

(إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * وَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ)؛ (1)

«قرآن، کتابی برای جهان و جهانیان است. برای دانستن خبرها و اثرهای شگفت انگیزتر و بزرگ تر آن، منتظر آینده باشید».

اسلام دینی است که چهارده قرن پیش به وسیله پیامبر بزرگ خدا، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله، جهانیان به آن دعوت شدند، و شکوهمندترین و نجات بخش ترین نهضت های تاریخی و جنبش های مذهبی و انقلاب های حقیقی را به وجود آورد.

هدف اسلام، آزادکردن انسان ها، خاتمه دادن به شرک و بت پرستی و فساد و گناه، برچیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد نمودن و پاک سازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادی، مبارزه با جهل و نادانی، تقسیم عدالت و امنیت، بهره برداری عموم از نعمت های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق،

ص: 39

فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادی و اقتصادی برای همه، و خلاصه: دعوت به توحید و پرستش
خدای یگانه و عدل و رحمت و احسان و علم و ایمان و نور و روشنایی است.

(كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)؛(1)

«کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور خارج کنیم».

(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)؛(2)

«و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

پیروزی اسلام بر همه ادیان

خدا وعده داده است که اسلام را بر همه ادیان پیروز سازد و این وعده ای است که قوانین خلقت و سنن آفرینش با آن موافق است و وعده
نصرت و غلبه همه جانبه ای است که به انبیا داده است، چنان که در آیات 171 - 173 سوره صافات، می فرماید:

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ)؛

«و به تحقیق سخن ما برای بندگان ما که پیامبرند

ص: 40

1- . ابراهیم، 1.

2- . انبیاء، 107.

پیشی گرفته که همانا ایشان یاری شدگانند و همانا سپاه ما بر آنها (دشمن) پیروزند».

و در آیه 51 سوره غافر، می فرماید:

(إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ)؛

«همانا ما یاری می دهیم پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که شاهدان (معصومین علیهم السلام) به پا خیزند».

اسلام با چنین هدف ها و برنامه های سازنده ای که این هدف ها را تأمین کند، شروع به کار کرد و جلو آمد، و عالی ترین و پاک ترین روش رهبری را به مردم ارائه داد و هدف های خود را به عقاید، احکام، اخلاق، اقتصاد، اجتماع، دین و دنیا به مردم عرضه داشت.

مردم شیفته و فریفته نهضت اسلام و برنامه ها و پیشنهادهای آن شدند، از آن استقبال کردند و آن را ملاک و معیار آزادی شناختند، و پس از آن همه ذلت هایی که در برابر حکام و سلاطین خودکامه داشتند، عزتی را که اسلام به آنها عطا کرد، آن را بزرگ ترین غنیمت شمردند.

فرزندان کارگران و دهقانان و چوپانان، که خود را با فرزندان پادشاهان و امیران برابر دیدند، لغو تقسیمات و درجه بندی های

طبقاتی را که طبقه پایین تر و فرزندانشان را از ترقی و ورود در

حریم منطقه طبقه به اصطلاح بالاتر ممنوع می کرد، از جان و دل پذیرفتند و جنگ با اسلام و سپاه مسلمان را جنگ با سعادت و آزادی خود دانستند.

اسلام به زودی جای خود را در دل ها باز کرد و دعوتش در عمق وجدان و شعور همه با شور و شغف بسیار استقبال شد.

هیچ کشوری را مسلمانان فتح نمی کردند مگر بعد از آنکه بانگ جان بخش توحید و آزادی و برابری اسلام، قلوب مردم آن را فتح کرده بود.

این نهضت مقدّس با این برنامه های عالی و مایه های پُراح انسانی، باید جهان را فتح کرده و به همه اهدافش رسیده باشد.

چرا چنین نشد؟ و چرا اسلام در نیمه راه ماند و متوقف گشت؟ و دستگاه رهبری آن، به زودی به دست افرادی جاهل و استثمارگر و عیاش و هرزه افتاد که مسیر واقعی اسلام و جهان اسلام را تغییر دادند و همان مظاهر و اوضاع و رژیم هایی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود، به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتحاد اسلام، دوباره زنده کردند.

اسلام آمد تا بشریت را از بشرپرستی نجات دهد، تا کاخ هایی را که

اکاسره و قیاصره (کسری و قیصرها) از غصب حقوق و اموال و ظلم

بر زیردستان بنا نهاده بودند، ویران سازد؛ و فاصله ای را که میان زمامداران و افراد عادی بود، از میان بردارد و انسان های ناآگاه خفته و ناآشنا به حقوق خود را بیدار و آگاه نماید و از مدائن و رُم و پایتخت های ستمگران زمان، مدینه بی تجمل و بی دستگاہ، بی کاخ و قصر، و نزدیک به همه و با همه بسازد.

اسلام بود که رهبر دوش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»؛ (1)

«هان! که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه، و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا نموده است».

و هم او می فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاجِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلِهِ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ، مَا فَعَلْتُهُ»؛ (2)

«به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با هرچه در زیر آسمان های آنهاست، به من دهند که خدا را نافرمانی

ص: 43

-
- 1- . نهج البلاغه، نامه 45 (ج 3، ص 70)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 33، ص 474؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج 1، ص 439.
 - 2- . نهج البلاغه، خطبه 224 (ج 2، ص 218).

کنم، در گرفتن پوست جوی از مورچه ای، چنین نخواهم کرد».

و هم از او روایت است که: هرکس بخواهد نظر کند به شخصی از اهل جهنم، نظر کند به شخصی که نشسته است و در اطراف او دیگران به عنوان احترام ایستاده اند. (1)

ولی غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گراییده و همان اساس گذشته را که اسلام با آن مبارزه دارد، داغ تر و ظالمانه تر تجدید کرده، همان عیاشی ها، همان هرزگی ها، و همان کاخ ها و قصور را از نو بنیاد کردند. مدینه پیغمبر و کوفه علی را کنار گذاردند و بغداد، دمشق، غرناطه، قرطبه، اسلامبول، قاهره، آکره و نقاط دیگر را که در استعباد بشر و صرف میلیون ها دسترنج مردمان ضعیف و عقب مانده، کمتر از مدائن و رُم نبود، به دنیا نشان دادند و در واقع، روش و رژیم ضعیف ضداسلامی آنها، که به اسم اسلام روی کار می آمدند، اسلام را از فتح قلوب و از رسیدن به هدف هایش مانع شد.

هرکس تاریخ و سرگذشت دستگاه های جبار بنی امیه، بنی عباس،

امویان اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ماوراء النهر و ایران، مصر، شام

ص: 44

1- . غزالی، احیاء علوم الدین، ج 11، ص 35؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 206؛ نراقی، جامع السعادات، ج 1، ص 310.

و نقاط دیگر آسیا و آفریقا و اروپا مسلط شدند، بخواند، می فهمد چه وضع بسیار ناامیدکننده ای جلو آمد که هدف های واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود.

ص: 45

انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری های فاسد

ص: 47

* انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری های فاسد

یگانه یا مهم ترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی شجاع و دلیر می کرد، وعده های قرآن و پیغمبر علیهما السلام بود که: این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالم گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز در خواهد آمد.

این وعده ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی امیه، جنگ های صلیبی، هجوم چنگیز و بالاخره استعمار قرن اخیر، پایدار و شکستناک داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

این وعده ها که واقعیت آن را حقایق مسلم دینی و تاریخی صددرصد ثابت کرده است و دلایل قطعی آن را در کتاب نوید امن و امان نگاشته ایم، همواره به مسلمانان نوید می داد که دور اسلام

ص: 49

و روزگار آن به پایان نمی رسد و حکومت هایی مانند بنی امیه و بنی عباس، مظهر کمال و پیشرفت و نمایش رژیم سیاسی و روش رهبری حق و عدالت اسلام نیستند و باید در انتظار آینده بود و عقب نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد، و موعود آخرالزمان که از دودمان پیغمبر اسلام و فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام و نهمین فرزند سیدالشهدا حسین علیه السلام و یگانه فرزند بی مانند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است، ظاهر شود و تمام برنامه های اسلام اجرا گردد. دنیا از این همه اضطرابات روزافزون، ناامنی ها، افکار متضاد و رژیم های رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتحاد قرار بگیرد.

مسلمان همیشه به سوی آینده می نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد، او را قانع نمی کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی شمارد، و اگر هم ظالمانه و غیراسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خودکامگی و استضعاف را محکوم سازد و برای حصول هدف های اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع بشر و جوامع متحیر و سرگردان و مضطرب خدمتی انجام دهد و نشستن و تسلیم بودن و کناره گیری

کردن و تماشاگر صحنه های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست، و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و فلسفه انتظار موافقت ندارد.

(وَقُلْ اِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛ (1)

«و بگو عمل کنید، پس به زودی خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را خواهند دید».

ص: 51

1- . توبه، 105.

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (1)

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خداست، به هرکس از بندگانش بخواهد منتقل می فرماید و حسن عاقبت از برای پرهیزکاران است».

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (2)

«و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده

ص: 55

1- . اعراف، 128.

2- . اعراف، 137.

بودند، خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم. و تمام گردید کلمه (و وعده) نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند؛ و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند».

مسئله ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلاب های علیه نظام های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است.

باینکه می بینیم زورمندان و استضعاف گران، مخالفان رژیم خود را می کوبند، دربند می کنند، به زندان می اندازند، در خاک و خون می کشند؛ باز هم استضعاف شدگان به پا می خیزند و مسیر تاریخ را عوض می کنند، باز هم سیاه پوست آمریکایی و آفریقایی قیام می کنند و حقوق خود را می طلبند، باز هم اندونزی و الجزایر استعمار را طرد می کنند و آن را بیرون می رانند و به حیاتش خاتمه می دهند.

فلسطینی های آواره و از خانه و وطن رانده شده می کوشند تا روزگار اسرائیل و رژیم فاسد نژادپرست صهیونیسم را - باینکه قدرت های بزرگ دنیا پشت سرش و بلکه در کنار و پیش رویش ایستاده اند و از او دفاع می کنند - سیاه نمایند، و او را از اراضی مقدّسه و سرزمین هایی که غصب کرده، بیرون برانند.

مسلمانان و به ویژه شیعیان در طول تاریخ، علی رغم همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده و مستمراً به تلاش خود ادامه داده اند.

مسئله این است که اگرچه ما جهان و وضع جهان را در مسیر هواوهوس و آرزوهای زورمندان و اقویا و طبقه حاکمه علیه ضعیفان و زیردستان و طبقه محکوم و محروم و مظلوم ببینیم؛ اگرچه جریان دنیا را به کام طبقه ای که در عیاشی، هرزگی، هوس رانی، شهوات و تجملات غرق شده و لوکس ترین زندگی ها را دارند، مشاهده نماییم، و اگرچه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی، گرفتار بیماری های گوناگون و محروم از حداقل زندگی یک انسان - بلکه یک حیوان که صاحب باانصاف داشته باشد - باشند و وحشیانه ترین قدرت ها، ملت ها و جامعه ها را در زیر ضربه های ظلم و تجاوز پامال کنند.

با این حال، تاریخ بر مبنای سنت های الهی و وعده خدایی، سرانجام به نقطه ای می رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است؛ به سویی می رود که در آنجا همه نسبت به حقوق متساوی حق، برابر و مساوی و یک شکل و یک رنگ گردند و تمام رنگ ها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسان ها فقط بر اساس تقوا باشد.

ص: 57

ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند، که هرچه قوی و شناگر باشد، سرانجام شکست می خورد و سیل او را به پیش رانده، و خواه و ناخواه در مسیر واقعی و جهت موافق سیل قرار می گیرد، یا نابود و معدوم می شود.

کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می کنند، اگر فاقد تمام وسایل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارند و قطعاً در مبارزه نهایی، پیروزی با آنهاست.

آینده جهان در کلام الهی

این گونه اعتقاد به سنت الهی - اگرچه از آن، گاهی به طور صحیح بهره برداری نمی شود و انقلابی نماها هم آن را وسیله قرار می دهند - اصل است و حقیقت؛ و در زبان قرآن کریم و احادیث شریفه به تعبیرات وافی و صحیح تر و الفاظ کافی تر شرح و بیان شده است؛ که از جمله این آیات، واقعی ترین تعبیرات و شرح و تفسیر این مسئله است:

(قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ...): (1)

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید...».

ص: 58

(وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...؛(1))

«و ما قومی را که به استضعاف کشیده شده بودند، وارثان (مشرق و مغرب زمین) گردانیدیم».

بَلْ تَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ؛(2))

«بلکه حق را با شدت بر باطل افکنیم؛ پس حق، باطل را درهم می شکند، آن گاه از میان می رود».

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛(3))

«می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خدا تمام کننده نور خویش است، هر چند کافران را خوش نیاید».

موضوع انتظار حضرت صاحب الامر علیه السلام و ایمان به ظهور مهدی موعود، مبنای این وعده الهی است و با سنت الهی و آنچه در

کتب آسمانی ثبت شده، کاملاً مطابق است.

ص: 59

1- . اعراف، 137.

2- . انبیاء، 18.

3- . صف، 8.

در قرآن مجید می فرماید:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (1)

«و همانا در زبور، پس از ذکر (تورات) نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

شیعه و تمام مسلمانان بر اساس این عقیده سازنده و تحول آور، ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می رود و توقف نمی کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می برند. و سرانجام حق در همه جا حاکم و پیروز می شود، و این سنت و قانون خدا و خواست اوست که می فرماید:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...؛ (2)

«ما خواسته ایم که منت گذاریم بر آنان که در زمین استضعاف شده اند...».

خدا چنین اراده کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار سازد و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده اند، بکوبد و مغلوب نماید.

ص: 60

1- . انبیاء، 105.

2- . قصص، 5.

این ایمان، جزء عقاید شیعه و بلکه هر مسلمان است که به هر نحو و هرطور که اوضاع به نفع ستمگران و فرعونیان استعبادپیشه قرار بگیرد، عاقبت با انقلاب مستضعفان شایسته و پرهیزکاران مجاهد، نظام و عدالت، حاکم و برقرار می شود.

این عقیده از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می دارد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وِلْدَانِهَا. وَتَلَا- عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (1))»؛ (2)

مضمون این سخنان امیدبخش و مژده دهنده این است:

«دنیایی از سرکشی به ما روی می کند همانند مهربانی شتر بدخو که به بچه خود مهربان می شود، و حزب خدا و اهل بیت و خاندان رسالت و شیعیانشان را در

فشار ظلم و استبداد غاصبان و مرتجعان گذارده،

ص: 61

1- . قصص، 5.

2- . نهج البلاغه، حکمت 209 (ج 4، ص 47)؛ سیدرضی، خصائص الائمه، ص 70؛ طبرسی، مجمع البیان، ج 7، ص 414.

و آنان را از حقوقشان محروم، و گرفتار شکنجه و زندان، و قطع دست و پا و گوش و بینی، و کشته شدن ساخته است، بعد از این همه ناسازگاری‌ها و ظلم و جور و غصب حقوق، البته و حتماً - مانند شتر بدخو و گزنده‌ای که به بچه اش مهربان و مایل می‌شود - به ما مایل گردیده و رام اهل حق و شایستگان و مستضعفان خواهد شد؛ چون خدا در قرآن خبر داده است: خواستش این است که بر آن کسان که در زمین مورد استضعاف قرار گرفته اند منت گذارد، و آنان را امامان و پیشوایان و وارثان زمین فرماید».

معلوم است در هنگامی که ابرهای مأیوس کننده فتنه‌های بزرگ، و تسلط غاصبان زمامداری و مقام رهبری جامعه اسلامی بر سر مردم و اهل حق، باران بلا و ناامیدی می‌باریده است، علی علیه السلام با این کلمات امیدوارکننده و انتظاربخش، دل‌های مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف‌ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفیری که حزب خدا و حامیان حق در پیش دارند، نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق فرموده است.

این کلام در عین حال که خبری از آینده و غیب و پیش‌گویی قاطع

است، همین مسئله سنّت خدا (یا به زبان دیگر، وعده الهی) را که علی علیه السلام از آن آگاهی کامل داشته است، اعلام می کند.

آری، ولیّ خدا و کسی که مصداق (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (1) است، به سنن الهی عالم و واقف است و از خواست خدا و نظامات و قواعدی که در جهان ماده و مجردات قرار داده، به اذن خدا و به تعلیم او بااطلاع است.

علاوه بر این آیه کریمه، در سوره قصص در ضمن داستان استعلا و گردنکشی فرعون، این خواست و سنّت خدا را صریحاً بیان فرموده است؛ (2) چون معلوم است که این سنّت الهی فقط در مورد موسی و فرعون نیست؛ بلکه سنّت عام الهی است و در مورد هر گروه مستضعف و مؤمن و شخص یا دسته استضعاف گر در هر عصر و زمانی صادق است؛ اگرچه مصدق آن، همه در یک ردیف نباشند و صدق این آیه و تطبیق آن و ظهور این سنّت و قاعده، بر موردی ظاهرتر و آشکارتر از موارد دیگر می باشد.

لذا علی علیه السلام بعد از اینکه خبر از یک تحوّل بزرگ و انقلاب جهانی به نفع حزب حقّ و پیروان مکتب ولایت می دهد، این آیه را نیز

تلاوت می فرماید؛ چون چنان که گفته شد، مفهوم آیه، اختصاص به

ص: 63

1- . رعد، 43. «و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست».

2- . قصص، 4-6.

1- . از عالی ترین بیانات راجع به این سنت و وعده الهی و فلسفه تاریخ، بیانات حضرت زینب علیها السلام است که در خطبه تاریخی و بی نظیر، در مجلس یزید انشا فرمود. در این مجلس که با برنامه و تشریفات بسیار جبارانه و مستکبرانه ترتیب یافته و وحشت و رعب آن، دل افراد عادی را می لرزاند و توانایی سخن گفتن را از آنها می گرفت، ابراز مخالفت و توییح و سرزنش و تحقیر یزید و اعلان رسمی محکومیت و انقراض حکومت او که خطر اعدام فوری داشت، از جانب یک بانوی اسیر و داغ دیده و مصیبت دیده، از معجزات بود. چنان که آن بلاغت و از قرآن مجید الهام گرفتن، سنجیده و به سامان گفتن، یزید و چاپلوسان درباری و مزدوران خود فروخته دستگاه را تحت تأثیر قراردادن، کرامت و حقانیت اسلام و اهل بیت علیهم السلام را اثبات نمودن، ستمگران و مستبدان را حقیر و پست شمردن، آن پیشگویی ها و خبر از آینده دادن و متلاشی شدن نظام یزیدی گفتن که هر جامعه شناس و روان شناس را مات و متحیر می سازد، از معجزات است. اگر کسی در این اعجاز تردید دارد، به او پیشنهاد می کنیم و از تمام بلغا و سخنوران ماهر می خواهیم که از این خطبه تاریخی و سخنان عقیده قریش، خطبه ای کوبنده تر، قاطع تر، محکوم کننده تر و مناسب تر با آن مجلس و موقف انشا نمایند. الحق این خطبه از نشانه های درخشان جلالت، حقیقت، فضیلت و عظمت اهل بیت رسالت است، و از خدا می خواهیم که شرحی بر این خطبه بنگارم و به افتخار خدمتی به آن حضرت سرفراز گردم. در این خطبه، زینب علیها السلام قانون و سنت و وعده تخلف ناپذیر الهی (و به اصطلاح بعضی، فلسفه تاریخ) را مطرح ساخته و هنگامی که به حسب ظاهر همه چیز تمام شده و بسیاری مأیوس و ناامید و تسلیم وضع حاکم می شوند و یزید بر اوضاع مسلط گردیده و در نهایت استبداد و استعباد سلطنت می نماید، او طرف داران حق و حزب حق و شیعیان اهل بیت را از یأس و ناامیدی نجات می دهد و اهل بیت و هدف ها و مقاصدشان را فاتح و پیروز، و بنی امیه و حزب استعبادگر را مغلوب و شکست خورده معرفی می فرماید و چنین اعلام می کند که: از کرامت اهل حق چیزی کم نشد و بر اهل باطل چیزی افزوده نگشت و هرچه یزید کوشش و تلاش کند و اهل حق را بکشد و از میان بردارد و بر کید و کینه و ستمگری انقلاب اسلام جلوگیری نماید و نور خدا را خاموش سازد، هیچ ثمره ای ندارد. آری، زینب علیها السلام به آینده درخشان اسلام و اهل بیت علیهم السلام و آثار نجات بخش انقلاب برادرش حسین علیه السلام صد درصد اطمینان داشت و می دانست راهی را که برادرش رفته است، راه خدا، راه حق و راه تاریخ است. در کربلا- روز یازدهم محرم، در آن هنگامی که او را به اسارت عازم کوفه کرده بودند و بدن های پاک شهدای راه حق روی زمین افتاده بود، همین خبر را می داد و آینده را می دید. در مجلس یزید نیز با همین منطق محکم، مجلس را قبضه کرد و یزید را چنان کوبید و در آن دادگاه تاریخ، چنان محکوم کرد که یزید نتوانست یک کلمه از خود دفاع نماید، یا آنکه غیظ و خشم خود را با تصمیم جنایت دیگر فرو بنشانند. اینک قسمتی از خطبه را که خطاب به یزید است بخوانید و در معنای انتظار تأمل فرمایید: «ثُمَّ كَذَّبَكَ وَاجْهَدْ جُهْدَكَ! فَوَاللَّهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِالْوَحْيِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبُوَّةِ وَالْإِنْتِخَابِ، لَا تُدْرِكُ أُمَّدَنَا وَلَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَلَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا يُرْحَضُ عَنْكَ عَاظُنَا»؛ پس تمام مکر و حيله ات را به کار گیر و تمام کوششت را انجام ده! قسم به خدایی که ما را به وحی و کتاب و نبوت و انتخاب مشرف نمود، هرگز نمی توانی عمق و نهایت ما را درک کنی و ذکر و یاد ما را محو نمایی، و آن عاری که بر ما وارد نمودی، از تو زودده نخواهد شد». طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 37؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 160؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص 405 - 406. و شخص امام علیه السلام نیز در ضمن جریان نهضت کربلا به این قاعده الهی و قانون تاریخ، مکرر تصریح فرمود که شرح و تفصیل آن از حدود این مقاله مختصر خارج است.

این آیه در تاریخ همان انقلابی است که به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا می شود. انقلابی که حتماً واقع خواهد شد و خواست خدا و سنت الهی است.

(فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا)؛ (1)

«و هرگز در سنت خدا تبدیل و تغییری نخواهی یافت».

بنابر آنچه بیان شد، معلوم می شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی علیه السلام چگونه فکر و اندیشه را آینده گرا می سازد و مسلمان را برای

مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ، در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل تر و صحیح تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است، آشنا می نماید.

ص: 65

* انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ * بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ)؛ (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کفار فرمان ببرید، شما را به عقب (کفر و جاهلیت) برمی گردانند، پس شما زیان کار می گردید؛ بلکه خداوند مولا و صاحب اختیار شماست و او بهترین یاری کنندگان است».

(إِنَّ الَّذِينَ أَزْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ)؛ (2)

«به درستی آنان که به عقب برگشتند (مرتجع شدند) بعد از آنکه هدایت بر ایشان آشکار گشت، شیطان این کار (ارتجاع) را بر ایشان بیاراست و خدا آنها را (برای امتحان و اتمام حجت) مهلت داد».

ص: 69

1- . آل عمران، 149 - 150.

2- . محمد، 25.

پیامبر اعظم علیهما السلام فرمود:

«الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ؛ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ»؛ (1)

«امامان بعد از من دوازده نفرند؛ نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و نهمین آنها مهدی علیه السلام است».

رسول خدا علیهما السلام فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْراً»؛ (2)

«اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خدا برمی انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد».

انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف

مسلمانان عموماً و شیعه اثنی عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی را می کشند که انقلاب اسلام را جهان گیر، حق و عدالت را پیروز، بشر

را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعباد و استعمار و از وقوف

ص: 70

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 254؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 282؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج 2، ص 162.

2- اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 234؛ بحار الانوار، مجلسی، ج 36، ص 368؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج 2، ص 30.

و توقف نجات دهد و به سوی جلو پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رایج نماید.

این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی است که پیغمبر عالی مقام اسلام صلی الله علیه و آله در صدها حدیث آنها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

اصل انتظار به صورت های گوناگون در بین ملل مختلف، همواره محفوظ بوده و آینده نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنن عالم خلقت است.

حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی

قرآن مجید با بیانی محکم در آیات متعدد، برگشتن به عقب را محکوم فرموده است.

در غزوه تاریخی احد که مسلمانان آزمایش شدند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فداکاری ها کرد و پرچم داران و دلیران نامی مشرکان را کشت، و جبرئیل مواسات بی نظیرش را با پیغمبر صلی الله علیه و آله ستود و به پیغمبر گفت: «هَذِهِ الْمُؤَاسَاةُ». پیغمبر در جواب فرمود: «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ؛ او از من است و من از اویم». جبرئیل گفت: «وَأَنَا مِنْكُمْ؛ من

نیز از شما هستم». و ندا در داد: «لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ» (1).

ص: 71

1- . صدوق، الخصال، ص 556 - 557؛ ر.ک: طبری، بشاره المصطفی، ص 228؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 20، ص 144.

در این غزوه، وقتی پاسداران درّه ای که کمین گاه بود و پیغمبر صلی الله علیه و آله آنان را به پاسداری آنجا مأمور فرموده بود، هزیمت و شکست کفار را در اثر مجاهدات علی علیه السلام دیدند، سنگر خویش را رها کردند و خالد بن ولید با گروهش که در آنجا کمین کرده بود، از همان جا به مسلمانان حمله ور شدند و تنی چند از پاسداران و فرماندهشان عبدالله بن جبیر را به شهادت رساندند. چهره جنگ به نفع مشرکان تغییر کرده و گروهی از مسلمانان کشته شدند و دیگران فرار کردند؛ غیر از علی بن ابی طالب علیه السلام، و دو نفر دیگر هم - برحسب بعضی از نقل ها که در نام آنها اختلاف است - کسی با پیغمبر ثابت نماند و راه فرار پیش گرفتند؛ و بعضی که شنیدند پیغمبر کشته شده است، در مقام ارتجاع و ارتداد و امان گرفتن از کفار برآمدند.

از جمله فراریان، ابوبکر و عمر و عثمان بودند، و عثمان در فرار و پشت کردن به جهاد و دفاع از اسلام و پیغمبر صلی الله علیه و آله، به قدری از میدان جنگ دور شده بود که سه روز بعد برگشت. (1)

نظر به این سستی ها و تصمیم بعضی دیگر بر بازگشت به عصر جاهلیت و ارتداد، آیات متعددی در نکوهش و سرزنش آنان و حرمت ارتجاع و وجوب ثبات قدم و استقامت نازل شد که از جمله این آیه بود:

ص: 72

1- . طبری، تاریخ، ج 2، ص 203؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 3، ص 1074؛ ابن کثیر، السیره النبویه، ج 3، ص 55.

(وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسِعَ يُجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ)؛ (1)

«و نیست محمد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده اند؛ آیا پس اگر (او) مُرد یا کشته شد، به عقب برمی گردید؟ و هرکس به عقب برگردد، هرگز به خدا زیانی نمی رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می دهد».

این آیه با کمال صراحت دستور می دهد که حتی با رحلت یا کشته شدن پیغمبر - که بزرگ ترین ضربه بر روح طرفداران انقلاب اسلامی و الهی اسلام است - انقلاب اسلام نباید متوقف شود و باید در مسیر خود پیشرفت نماید و باید مسلمانان دنبال این انقلاب را بگیرند و به عقب برنگردند.

وقتی رحلت رسول خدا علیهما السلام نباید این عکس العمل را داشته باشد که کسی به فکر ارتداد و بازگشت به عقب و رژیم های دوره های جاهلیت و پذیرش برنامه های غیراسلامی بیفتد، پس معلوم است که مسلمان از هیچ حادثه و فاجعه دیگر، هرچه سخت و جانکاه باشد و هرچه زیان

ص: 73

مالی و مادی و جانی داشته باشد، به ارتداد و عقب گرد، و قبول برنامه ها و نظام های کافر مایل نمی شود و از کوشش برای پیش رفتن، ترقی و جهانی شدن انقلاب اسلام چشم بر نمی دارد.

انتظار مصلح آخرالزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی ترین فلسفه اجتماعی است.

مسلمانان عقیده دارند که انقلاب اسلام، جهان گیر و پیروز می شود و عالم از این نابسامانی های مدنیت منهای شرف و انسانیت نجات پیدا می کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقب گرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.

اگرچه دنیای مادی امروز به ظاهر رو به جاهلیت گذارده و اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت و مابه الامتیاز بشر از حیوان، در بسیاری از جوامع فراموش شده، و طغیان و ظلم و بیدادگری و تجاوز و زور و استبداد و قلدری و استثمار و شهوت رانی و ناپکاری و خیانت و ناامنی به صورت ها و جلوه های نو در جهان

رایج شده و روزه روز رایج تر می شود؛ و اگرچه الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات، برادری، همکاری، تعاون و بشردوستی را در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار می برند؛ و اگرچه فاصله بین زورمندان و فرماندهان و زیردستان و فرمان بران هر روز زیادترو رابطه آنها با یکدیگر به رابطه دو انسان برابر هیچ

شباهت ندارد؛ ولی این توحش تا هرکجا برود (تا دو هزار و پانصد سال، تا سه هزار سال، و پنج هزار سال بیشتر هم به عقب برگردد)؛ چون خلاف خواست های واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه کن خواهد شد.

این جاهلی مسلکی هرچه نیرو بگیرد و از هر حلقومی برایش تبلیغ شود، و هرچند که آموزش و فرهنگ را با زور قوای انتظامی با آن همگام و همراه سازند، عاقبت در برابر منطق آسمانی قرآن، که می فرماید:

(تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ)؛ (1)

(بیایید به سوی کلمه و عقیده یکسان و مشترکی بین ما و شما، که نپرستیم مگر خدا را و به او شرک نیاوریم و هیچ کدام از همدیگر را غیر از خدا ربّ خود نگیریم).

و در برابر آیه:

(إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ

ص: 75

شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ؛ (1)

«ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را در قبایل و ملت های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ البته گرامی ترین شما نزد خدا، متقی ترین شماست».

و در مقابل منطق وحی:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (2)

«و ما در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید».

و آیات بسیار دیگر شکست می خورد، و زبان و بلندگوهایش

خاموش و قلم نویسندگانش می شکنند.

فساد، فحشا، نابکاری جوانان و بانوان، وضع بسیار ننگین و پر از آلودگی های زن در شرق و غرب جهان امروز و خیانت و جنایت، هرچه جلو برود، و هرچه نیروهای مادی، این فسادها را تهییج کند و آن را برای منافع پلید استثماری یا استعماری گسترش دهد، جنبش

ص: 76

1- . حجرات، 13.

2- . نحل، 36.

و انقلاب را علیه این مفسد، کوبنده تر و ضربت آن را بر کاخ های فساد و طغیان، کاری تر می سازد.

مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت

مسلمانی که با چنین فکر و عقیده آینده گرا زندگی می کند، هرگز با گروه های فاسد و مشرک و خدانشناس همراه نمی شود و تا می تواند تقدّم و نوگرایی و آینده بینی خود را حفظ کرده و ثابت و استوار به سوی هدف پیش می رود.

او اطمینان دارد و به یقین می داند که بساط ظلم و فساد برچیده شدنی است؛ چون بر جامعه و بر فطرت بشر تحمیل است و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است:

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ (1)

«همانا زمین از آن خداست و به هرکس از بندگانش که بخواهد، به ارث می دهد و عاقبت از آن متقین است».

بنابراین مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه و هم صدا نخواهد شد.

این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری،

ص: 77

طرف داران حق و عدالت و اسلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه های فشار، استعباد، جهل و شرک، بشرپرستی و فسادانگیزی پایدار نگه می دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می دهد.

این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل، صفوف طرف داران حق را فشرده تر و مقاوم تر می کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نویدبخش قرآن آشنا می دارد:

﴿قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛ (1)

«بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم».

﴿فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾؛ (2)

«منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم».

﴿فَانتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾؛ (3)

«منتظر باشید که من هم با شما منتظرم».

خاص و عام، شیعه و سنی، از رسول خدا علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود:

﴿لَوْ لَمْ يَبَقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ

ص: 78

1- . انعام، 158.

2- . توبه، 52.

3- . اعراف، 71.

ذَلِكَ الْيَوْمِ حَتَّى يُخْرَجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُوَاتِي أَسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقَسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْراً وَظُلماً»؛ (1)

«اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند متعال آن روز را طولانی فرماید تا بیرون آید مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من باشد، زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که از جور و ظلم پر شده باشد».

این انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست

و عذر برای کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد، و سکوت و بی حرکتی و بی تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی توان توجیه کرد.

این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است، مکتب زنده و سازنده اسلام و محمد، علی و زهرا و حسن و حسین و زین العابدین و تمام ائمه علیهم السلام و سایر اصحاب و یاران خاص و پیروان آنهاست. اگر نادانان یا مغرضان آن را به طور دیگر تفسیر کرده و آن را مکتب کناررفته ها و کنار گذاشته شده ها،

ص: 79

1- . طوسی، الغیبه، ص 180 - 425؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 67؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 4، ص 91؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج 2، ص 438.

بیچاره ها، مایوسان، تن به خواری دادگان، چاپلوسان و دین فروشان معرفی کنند، خود در ردیف یهود، که مصداق:

(يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ)؛ (1)

«کلام ها و سخنان را از مواضع اصلی خود تحریف و دگرگون می کنند».

می باشند، قرار داده اند.

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ
سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ

مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ)؛ (2)

«ای پیامبر! آنان که به زبان گفتند: ایمان آوردیم؛ ولی قلب هایشان ایمان نیاورد و به سوی کفر سرعت گرفته اند، تو را ناراحت نکنند و همچنین آن یهودیانی که حرف های تو را تحریف کرده و به دروغ، سخنان فتنه خیز برای قومی که پیش تو نیامده اند، نقل می کنند. اینان سخنان را مطابق میل و هوای نفس خود از مواضع اصلی اش تحریف می کنند».

ص: 80

1- . نساء، 46.

2- . مائده، 41.

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾؛ (1)

«بگو: همه منتظرند، پس انتظار بکشید! زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافته اند، کیانند؟!».

﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ * وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛ (2)

«بگو به آنان که ایمان نمی آورند (از راه تهدید)!: عمل کنید به حال خود، ما هم عمل می کنیم و منتظر باشید، ما هم منتظریم».

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

﴿إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ

ص: 83

1- . طه، 135.

2- . هود، 121 - 122.

سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»؛(1)

«البته که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست آن را می آورد. هرکس شاد می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی و اخلاق نیک کند و منتظر باشد».

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«تَمَّتْ دُ الْعَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْأَثَمَةَ بَعْدَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛(2)

«غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی پیغمبر خدا و امامان بعد از پیغمبر علیهما السلام امتداد پیدا می کند. اهل زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت و منتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند».

رسول خدا علیهما السلام فرمود:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ»؛(3)

ص: 84

-
- 1- . نعمانی، الغیبه، ص 270؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج 3، ص 210.
 - 2- . طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 50؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج 2، ص 218.
 - 3- . صدوق، کمال الدین، ص 287؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج 1، ص 192؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج 3، ص 214.

«برترین عبادت انتظار فرج (و پایان نابسامانی‌ها و دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ظهور دولت حقّه حضرت مهدی علیه السلام و برقراری مطلق نظام اسلامی) است».

ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی‌هدف و بی‌مقصد می‌شود.

حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه مقدّس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدّس‌تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند، شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال شود و رتبه‌ای بگیرد و حقوق و جیره‌اش زیاد شود.

یکی دیگر انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه

و مدرکی بگیرد و به وسیله آن، کار و شغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعیتش رویه راه شود تا خانواده تشکیل دهد و همسری اختیار کند و از تجرد و تنهایی خود را خلاص سازد.

دیگری منتظر است درآمدش بیشتر شود، خانه شخصی، ماشین

سواری و ... خریداری کند؛ یا اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان یا مسجد یا مدرسه یا کتابخانه و دارالعلمی تأسیس کند.

یک نفر انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود.

خلاصه همه منتظرند؛ کاسب منتظر؛ کشاورز منتظر؛ کنتراتی منتظر؛ باغ دار منتظر؛ صنعتگر منتظر؛ پدر، مادر و معلم همه منتظرند؛ بلکه ملت ها و جامعه ها و حکومت ها همه منتظرند.

رژیم های سرمایه داری انتظار دارند که قدرشان بیشتر گسترش یابد و دنیا را شدیدتر به زیر یوغ بی رحم استثمار خود بکشند و خون ضعفا را بمکنند.

رژیم های کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه جا را زیر چتر خود بگیرد، و شدت فقر و جنگ و اختلاف طبقاتی تحول ایجاد کرده، اوضاع را به نفع آنها عوض کند تا کمونیسم، آزادی های فردی و حرمت انسانی را در کام خود فرو برد و افراد جامعه مانند یک ماشین یا یک مرکز دآمداری که وسایل خوراک و فرجه شدن و خوردن و چریدن در آن فراهم شده باشد، منهای انسانیت زیست کنند.

دانشجویان واقعی و محققان منتظرند با نیروی تفکر و اندیشه، مشکلات علمی را حل کرده و هرچه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و دایره معلومات را توسعه دهند.

پزشک باایمان منتظر است نتیجه معالجات خود را در بیمارش ببیند.

﴿قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا﴾ (1)

«بگو: همه منتظرند پس منتظر باشید».

اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذت و بی معنا است.

انتظار است که زندگی را لذت بخش و باروح و بامعنا می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

یک درخت تا وقتی انتظار می رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می ماند؛ ولی وقتی از میوه دادن و از نمو و ترقی افتاد، آن را قطع می نمایند و به جایش نهالی می نشانند که تا سال ها چشم انتظار به رشد و نمو میوه آن بدوزند و آن را پرورش دهند و آبیاری کنند.

پس همه جهان و همه جامعه ها و همه مردم و افراد، تا هستند و در سراسیمی سقوط و انقراض و فنا و مرگ و نیستی وارد نشده اند،

منتظرند و باید منتظر باشند.

اسلام و انتظار

اسلام که تعلیمات و هدایت هایش بر اساس فلسفه های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام

ص: 87

قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رسول خدا علیهما السلام در حدیث شریف:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛⁽¹⁾

«برترین کارهای امتم انتظار فرج است».

انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.

آن هنگام که پیغمبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله در حالی که غیر از علی علیه السلام و عموی بزرگوارش ابوطالب، از مردها یاریاور دیگر نداشت و مردم را به خدا و دین توحید دعوت می فرمود؛ آن هنگام که دست یافتن بر خزائن کسری و قیصر، آن هم برای مردمی محروم و مستضعف، جزء محالات عادی محسوب می شد؛ و در آن هنگامی که به جای همکاری و قبول آن دعوت نجات بخش و آزادساز

توحیدی، از مردم دشنام و ناسزا و اهانت می شنید و رنج و آزار و اذیت می دید، مردم را به آینده درخشان این امت نوید می داد و وعده می داد که کلمه توحید را بگویند تا رستگار شوید: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِبُوا» تا عرب خاضع شما گردد و عجم به شما جزیه بدهد. سوگند یاد می کرد که گنج های کسری و قیصر در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

و پیروانش با سرمایه و اسلحه انتظار رو به سوی آینده و قدم به پیش قرار

ص: 88

1- . صدوق، کمال الدین، ص 644؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 527؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 50، ص 318.

داده بود و در برابر سیل مخالفت‌ها و شیطنت‌ها، قطع ارتباط‌ها و محاصره‌ها، شکنجه‌ها و آزارهای بدنی مسلح، به مقاومت و ایستادگی حتی تا ترک مال و خانه و شهر و مسکن در راه اسلام و هدف‌های توحید آن، تشویق می‌کرد و از پیروزی حق و مغلوب شدن باطل سخن می‌راند.

این انتظار و ایمان به این وعده‌های الهی بود که مسلمانان را در میدان‌ها فاتح و جانباز و فداکار کرد.

مسلمانان در انتظار این روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ و پر از مصیبت را پشت سر گذاشته و جلورفتند.

قرآن مجید در آیات متعددی، مسلمانان را به انتظار آینده‌گذارده و آینده‌بهرتر را به این امت نوید داده است و آینده‌گرایی را تعلیم می‌فرماید.

از جمله در این آیه نوید می‌دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی‌دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم

و گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیرقابل انعطاف می‌باشند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت و سرزنش ملامت‌کنندگان بیم ندارند؛ که آیه ذیل مشعر بر این مطلب است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما، از آیین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

در این آیه که خطر ارتداد و بی دینی و بازگشت به سوی کفر و شرک

و فحشا و بشرپرستی و سنن و رسوم باطل شده، به وسیله اسلام مطرح شده است، قیام گروهی مجاهد را که با ارتجاع مبارزه کنند و آن را سرکوب نمایند، نوید داده و مسلمانان حقیقی را در برابر این مرض مهلک و خطرناک، با انتظار و اعلام آینده سالم و شکست ارتجاع و پیروزی دوستان خدا، مصونیت بخشیده است.

و نیز آیه:

(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (2)

ص: 90

1- . مائده، 54.

2- . حجر، 9.

«همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز آن را حفظ خواهیم کرد».

خبر از حفظ قرآن مجید و رسالت اسلام و این دین و آیین مقدّس می دهد و مخصوص به یک دوره و عصر نیست و تا ابد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل جامعه جهانی اسلام، این آیه نویدبخش و امیدوارکننده است که در هیچ حال و شرایطی مسلمانان نباید ناامید باشند، بقای این دین برحسب سنن الهی و وعده های خدا و رسول خدا تضمین شده است.

اگر بازگشت به عقب و ارتداد و رجعت به جاهلیتی پیش بیاید و در بین ملل مسلمان، صدای افتخار به دوره های جاهلیت و زنده کردن رسوم پیش از اسلام بلند بود، و اگر به هر شکل و وضع، بیگانگان یا افرادی که

در شمار مؤمنان بوده و به ارتداد و فساد روی نهاده اند، بخواهند پیشرفت و جهان گیر شدن انقلاب الهی اسلام را متوقف کنند، یا از بین ببرند و شعائر اسلام را تعطیل و در فراموشی اندازند، قانون خلقت و صدای وجدان و فطرت و اراده الهی، گروهی مصمّم و باعزیمت را که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست می دارند، برای حمایت این دین و جهانی شدن این انقلاب و روشن نگاه داشتن این چراغ بر می انگیزد.

از هنگام رحلت پیغمبر اکرم علیهما السلام تا حال، تاریخ اسلام مصادیق و نمونه های بسیاری از آنچه در این آیه پیش بینی شده است، نشان

می دهد و ارتداد در صورت های مختلف، دعوت اسلام را تهدید کرده و بلکه به ظاهر متوقف ساخت؛ ولی چنان که در این آیه خداوند متعال وعده فرموده است، هر مرتبه، ارتداد به وسیله افرادی الهی و مخلص و فداکار سرکوب شده و خطر خاموش شدن صدای دعوت اسلام مرتفع گشت. ارتداد و عقب گردی که پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله (1)

مخصوصاً در امر خلافت و رژیم حکومتی اسلام پیش آمد و منتهی به عثمان ها و

ص: 92

1- . برحسب اخبار مستفیض و بلکه متواتر حوض که در معتبرترین جوامع حدیث اهل سنت، مثل صحیح البخاری و صحیح مسلم و الموطأ مالک و مسند احمد روایت شده است، رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله خبر داد که گروهی از اصحابش پس از وفات آن حضرت بی دین و مرتد گردیده، و بازگشت به عقب و قهقرا می نمایند، و صدق خبر پیغمبر علیهما السلام ظاهر گشت. هنوز جسد اطهر پیغمبر علیهما السلام دفن نشده بود که مرتجعان وارد میدان شده، و برنامه هایی را که پیغمبر در امور ولایت و رهبری امت و لزوم تمسک به کتاب و عترت اعلام فرموده بود کنار گذارده و سقیفه بنی ساعده، نخستین مظهر رسمی این ارتجاع گردید. و این همان ارتجاعی است که زهرای مرضیه علیها السلام در آخر خطبه تاریخی در مسجد مدینه آن را محکوم فرمود و از جمله فرمود: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ انبِيَاءِهِ وَمَأْوَىٰ أَصْدِقِيَّائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسَدُ الْبِفَاقِ، وَسَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَتَبِعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَهَدَرَ فَنَيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ...»؛ «وقتی خدا جان پیامبر خود را قبض کرد، قومی به عقب برگشته و راه ارتجاع پیش گرفتند و راه های گوناگون، آنها را گمراه کرد و به بیگانه اعتماد کردند و با غیر رحم پیوند نمودند، و سبب و وسیله ای را که مأمور به مودت و دوستی آن بودند، ترک کردند و بنا را از اساسش کنده و در غیر جایگاه خود بنا نمودند». طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 136 - 137؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 29، ص 225. و در مکتوبی که به معاویه مرقوم فرموده است: پیروانش را که پس از رهبران گذشته این ارتداد، وارث آنان شد، نکوهش نموده و می فرماید: «فَجَارُوا عَنْ وَجْهَتِهِمْ وَنَكَصُوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ، وَتَوَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ، وَعَوَّلُوا عَلَىٰ أَحْسَابِهِمْ»؛ «کسانی که گرفتار مکر و خدعه معاویه و اضلال او شدند، از راه خدا برکنار گردیده و به قهقرا برگشته و راه ارتداد و ارتجاع پیش گرفته و به حسب های پست و بی مایه و الغاشده، اعتماد کردند». نهج البلاغه، نامه 32 (ج 3، ص 75).

معاویه ها و یزیدها و سایر بنی امیه و بنی عباس و ستمگران دیگر شد و نظام سیاست و حکم و اداره جامعه اسلامی را به نظام حکومت های قیصرها و کسری ها برگرداند، ابتدا با مقاومت و مخالفت رسمی افرادی انگشت شمار به رهبری علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام روبه رو شد، و پس از آن، - اگرچه عقب گرد از دین به مرور زمان گسترش یافت؛ ولیکن کسانی که از آن بازگشته و به گروه علی علیه السلام و وفاداران حقیقی انقلاب اسلام ملحق گردیدند، زیاد شدند و با قیام مسلمانان انقلاب خواه علیه عثمان، حکومت علی علیه السلام فرهنگ جاهلی را در یک قدمی نیستی و فنا قرار داد؛ اما بازمانده و وارث حقیقی جاهلیت (معاویه) دوباره پرچم ارتداد را برافراشت و از آن به بعد، اگرچه جاهلیت ریشه کن نگردید، و اسلام نیز تا حال به هدف های بزرگ خود

نرسیده و انقلابش کامل نگشته و در بین راه است و باید منتظر آینده بود تا آن مصلح حقیقی و منتظر موعود بیاید و انقلاب اسلام را عالم گیر ساخته و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد؛ ولی همواره تحت تأثیر همین تعالیم اسلام و برنامه انتظار، مبارزه با ارتداد و جاهلیت جریان داشته و دارد و در صورت های مختلف از تسلط کامل و تمام عیار جاهلیت جلوگیری شده است که شهادت سیدالشهدا علیه السلام و قیام مقدس حسینی علیه بنی امیه، کاری ترین ضربه ها بر پیکر ارتدادی بود که به وسیله بنی امیه رهبری می شد.

ما در اینجا نمی خواهیم تاریخ این مقاومت ها و مبارزه ها را در عصر

بنی امیه و بنی عباس و ادوار مختلف شرح دهیم، و از نقش اهل بیت و برنامه ها و تعالیم ائمه طاهرین علیهم السلام که بیشتر به صورت مبارزه منفی بسیار دقیق به حملات خلفای جور علیه موجودیت اسلام و حقایق و اهداف مقدّس این دین پاسخ داده و مدافعه می نماید، چیزی بگوییم؛ ولی باید متذکّر شویم که روش مبارزه منفی آنها، اکنون هم مؤثرترین روش مبارزه با دشمنان داخلی، منافقان و دشمنان خارجی است و نتایج مهمی نیز داشته است. مثلاً به زندان افتادن امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به شدت ارکان جاهلیتی را - که به وسیله هارون دیکتاتور و با آن همه قدرت و توسعه قلمرو حکومت استبدادی نگهداری می شد - لرزاند.

بیان کامل این مطلب، حداقل به یک کتاب مفصل نیاز دارد که فعلاً در پی آن نیستیم؛ بلکه فقط می خواهیم متذکّر شویم که انتظار و مثل این وعده هایی که در این آیه کریمه و آیات دیگر است، یکی از پایه های مهم و زنده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسلام بوده، که آن را باید سرچشمه مقاومت ها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حقّ با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچ گاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شده نخواهد دانست، و همواره به مضمون آیه کریمه:

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ (1)

ص: 94

«کافران می خواهند نور خدا را با گفتار جاهلانه خود خاموش کنند ولی خداوند نمی خواهد، مگر آنکه نور خود را به پایان برساند؛ اگرچه کافران کراهت دارند».

تلاش های دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و گسترش خواهد بود.

انتظار جامعه شیعه

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها حدیث معتبر وارد شده است، ظاهر شود و آیین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است، ظاهر کرده و گسترش دهد، و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم صدا، هم قدم و به هم پیوسته سازد.

این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود علیه السلام - چنان که در روایات به آن اشاره شده است - شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می شد و آن را متلاشی می کرد، پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است، و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.

ص: 95

با آن وضع جان‌گزای حکومت بنی امیه و بنی عباس روبه‌رو شده بودند و تمام حیثیات و شئون ظاهری و اجتماعی آنها لغا شده، و از همه مشاغل محروم، و در همه جا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازات‌های شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه‌های غیرقابل تحمل دیگر.

آن شیعیان، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت، و شکست باطل و ستم نداشتند، باینکه همه چیز را از دست رفته می‌دیدند، هرگز بر ایشان حال مقاومت باقی نمی‌ماند و

همه حتی در دل شکست خورده و تسلیم می‌گشتند و از دگرگون شدن وضاع و عوض شدن و ورق خوردن صفحه تاریخ ناامید می‌گردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک می‌شد.

اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار می‌ماند و این راه بسته نمی‌شود و این نزاع و نبرد حق و باطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمی‌پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است، که می‌بینیم همیشه از میان

شکست‌ها، پیروزی‌هایی آشکار و در عین ذلت ظاهری، پرتو و شعاع عزت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده‌ها و همت‌ها به حرکت و جنبش درمی‌آید و افراد بااراده و مصمم و متعهد وارد میدان می‌شوند؛ و هرچه دشمنان حق و عدالت، مسلمانان را می‌کشند و به زندان می‌اندازند و هرگونه شکنجه و عذابی را درباره آنها اجرا می‌نمایند و آنها را از اجرای قوانین اسلام و برقرارکردن شعائر دینی با زور و تطمیع باز می‌دارند و تعلیم و تربیتشان و مطبوعات و تبلیغات و تمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی را ضداسلامی و منحرف‌کننده می‌سازند؛ در

ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین و نقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می‌یابد تا ملت‌هایی مثل ایران، الجزایر و اندونزی آزاد می‌شوند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام و از این جهت است که ثواب منتظران مانند ثواب مجاهدان و بلکه شهیدان بدر و احد است.

و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نامساعد و ناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی‌شود و روز این دین به آخر نمی‌رسد.

و این است همان فلسفه‌ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آنها و مشوق آنان به استقامت و پایداری و مقاومت و جهاد بوده است و درحقیقت، انتظار فلسفه محکم و استواری است که در

تمام ادیان موردتوجه بوده و به آن عقیده داشته اند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته اند و همه در انتظار آینده عالی تر و بهتر بوده اند و ظهور اسلام، این دین جامعه، به تمام آنها نوید داده شد؛ تا وقتی خورشید جهان تاب اسلام طلوع کرد و عالم و تمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت ها و ادیان است، مسئله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخرالزمان و ولیّ دوران

حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد.

عامل بقا

بنابراین - چنان که از بررسی های عمیق و دقیق در تاریخ و فلسفه ادیان و قرآن کریم و احادیث و روایات استفاده می شود - فلسفه انتظار مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

دیدگاه وسیع

درضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق نظر بلند مسلمانان و مخصوصاً شیعیان را نشان می دهد؛ درحالی که بسیاری از مردم و ملل

ص: 98

دیگر انتظار می‌برند که بر ملل دیگر مسلط شده و آنها را استثمار نمایند.

و درحالی که هریک از شرق و غرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا درآید و جهان مسخر هواو هوسشان گردد.

و در هنگامی که کمپانی‌های بازرگانی و حکومت‌های زیر نفوذ آنها انتظار می‌کشند، دنیا بازار تجارت آنها شود و بشر در عالم اقتصاد برده آنها گردد.

و در وقتی که گروه‌های بسیاری در جهان، امروز بی‌هدف در کنار

کاباره‌ها و سینماها و تماشاخانه‌ها صف کشیده و دقیقه‌شماری می‌کنند و در انتظارند که در این اماکن فساد به رویش باز شود و به این ترتیب، هستی خویش را تباه می‌کنند.

در این هنگام، مسلمان آگاه و روشن‌فکر و شیعه متعهد و مبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حق و عدالت و توحید و حکومت جهانی اسلام و احکام خدا درآید و تمام بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها نابود گردد و این فاصله‌های پوچ از میان خلق خدا برداشته شود.

مسلمانان انتظار روزی را می‌کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه کن گردد و بینش و بصیرت جامعه، کامل و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست‌ها و رژیم‌ها و مسلک‌های باطل از بین برود.

این بینش و مقصد و هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک‌بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است.

این انتظار، شخص را متعهد و مسئول می سازد که برای تحقق هدف های اسلام و عملی شدن برنامه های دین، بدون هیچ یأس و ضعف و سستی و ناامیدی، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه یک گام به سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود.

این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، بااراده، نفوذناپذیر، مستقل،

شجاع و بلندهمت می سازد.

این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است.

نیمه شعبان

نیمه شعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده شدن برای جهاد بیشتر، مقاومت های سخت تر؛ و جشن و چراغانی آن، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه منتظران و نمایش شادمانی ها و زوال تاریکی ها در جامعه جهانی اسلام است.

کسی که منتظر است، باید به سوی آن رستاخیز عظیم و بی مانند قدم بردارد و آماده شود و از هر فرصتی بهره برداری نماید، و دین خدا و احکام خدا و آنچه را که به صاحب وقت و ولی عصر علیه السلام انتساب دارد، از مال و جان و فرزند و مقام خود گرامی تر بدارد و برای حفظ و نگاه داری آن کوشاتر باشد، و باید جشن و چراغانی و تبلیغات

ص: 100

و سخنرانی‌ها و مجالس و محافل نور، این انتظار حقیقی را در دل‌ها روشن‌تر سازد و بر نشاط و تعهد و مقاومت جامعه بیفزاید.

کسی که منتظر است، به معانی بزرگی که از جشن و چراغانی نیمه شعبان در نظر است، التفات داشته و هدف و مقصد را فراموش نمی‌نماید، و جشن و چراغانی را وسیله سرگرمی قرار

نمی‌دهد، و به جای وظایف خطیر و مسئولیت‌های مهمی که در برابر خدا و قرآن و شخص حضرت ولی عصر علیه السلام و اسلام و تشیع دارد، به مراسم خشک و خالی جشن و چراغانی اکتفا نمی‌کند، و از حقیقت و درسی که از این مراسم باید گرفت غافل نخواهد ماند، تا خدای نخواستہ دشمنان یا نادانان، این مراسم و بلکه اصل انتظار را عوضی تفسیر نمایند و آن را عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف بشمارند.

این جشن‌ها و چراغانی‌ها باید اعلان وفاداری به اسلام و تصمیم محکم به مقاومت در برابر نقشه‌های ضداسلام، و ابراز علاقه به قرآن، و مطالبه حقوق اسلامی، و هم‌صدایی و اتفاق و اتحاد باشد.

این مراسم که در نهایت خلوص صورت می‌گیرد، اعلام خواسته‌های حقیقی جامعه، مخالفت همگان با نظام‌های نامشروع، و موافقت آرای عموم با نظام خالص و صحیح اسلامی است، که باید همیشه و در تمام مواقع و فرصت‌ها ابراز شود.

وَالسَّلَامُ عَلَى نَامُوسِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَالْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ، أَبِي الْوَقْتِ وَمَوْلَى الزَّمَانِ، الَّذِي هُوَ لِلْحَقِّ أَمِينٌ وَلِلْخَلْقِ أَمَانٌ، مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا صَاحِبِ
الزَّمَانِ، أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ، وَجَعَلَنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ.

قم المشرفه، حرم الاثمه عليهم السلام

لطف الله صافى گلپایگانی

1398 هـ - ق

ص: 102

1. قرآن كريم.
2. نهج البلاغه، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دارالمعرفه، 1412ق.
3. الاحتجاج، طبرسى، احمد بن على (م. 560ق.)، تحقيق سيد محمدباقر موسوى خراسان، النجف الاشرف، دارالنعمان، 1386ق.
4. احياء علوم الدين، غزالى، محمد بن محمد (م. 505ق.)، بيروت، دارالكتاب العربى.
5. الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبى (م. 463ق.) تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل، 1412ق.
6. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سيد على بن موسى (م. 664ق.)، تحقيق جواد قيومى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، 1414ق.
7. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار عليهم السلام، مجلسى، محمدباقر (م. 1111ق.)، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1403ق.

8. بشاره المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعة المرتضى عليه السلام، طبري، محمد بن ابي القاسم (م. 525ق.)، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420ق.
9. تاريخ الامم و الملوك، طبري، محمد بن جرير (م. 310ق.)، تحقيق گروهی از دانشمندان، بيروت، مؤسسه الاعلمي، 1403ق.
10. جامع السعادات، نراقي، محمد مهدي (م. 1209ق.)، تحقيق سيد محمد كلانتر، النجف الاشرف، دارالنعمان.
11. الجامع الصغير في احاديث البشير النذير، سيوطي، جلال الدين (م. 911ق.)، بيروت، دارالفكر، 1401ق.
12. النخصال، صدوق، محمد بن علي (م. 381ق.)، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1403ق.
13. خصائص الائمة عليهم السلام، سيد رضی، محمد بن حسين (م. 406ق.)، تحقيق محمد هادي اميني، مشهد، آستان قدس رضوي، 1406ق.
14. السيره النبويه، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774ق.)، تحقيق مصطفى عبدالواحد، بيروت، دارالمعرفه، 1396ق.
15. صحيح البخاري، بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256ق.)، بيروت، دارالفكر، 1401ق.
16. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال (الامام الحسين عليه السلام)، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، 1425ق.

17. عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، ابن ابی جمہور احسانی، محمد بن علی (م. 885ق.)، تحقیق مجتبیٰ عراقی، قم، مطبعہ سیدالشہداء، 1403ق.
18. الغیبہ، طوسی، محمد بن حسن (م. 460ق.)، تحقیق عباداللہ تهرانی، علی احمد ناصح، قم، مؤسسہ المعارف الاسلامیہ، 1411ق.
19. الغیبہ، نعمانی، محمد بن ابراہیم (م. 360ق.)، تحقیق فارس حسون کریم، قم، انتشارات انوارالہدی، 1422ق.
20. کشف الغمہ فی معرفہ الأئمہ علیہم السلام، اربلی، علی بن عیسی (م. 693ق.)، بیروت، دارالاضواء، 1405ق.
21. کمال الدین و تمام النعمہ، صدوق، محمد بن علی (م. 381ق.)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1405ق.
22. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن (م. 548ق.)، تحقیق عدہ ای از محققین، بیروت، مؤسسہ الاعلمی، 1415ق.
23. مصباح المتہجد، طوسی، محمد بن حسن (م. 460ق.)، بیروت، مؤسسہ فقہ الشیعہ، 1411ق.
24. مناقب آل ابی طالب، ابن شہر آشوب، محمد بن علی (م. 588ق.)، تحقیق گروہی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المکتبہ الحیدریہ، 1376ق.
25. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام، صافی گلپایگانی، لطف اللہ، قم،

مرکز نشر و توزیع الآثار العلمیه فی مکتب سماحه آیه الله الصافی گلپایگانی، 1430ق.

26. ینایع الموده لذوی القربی، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. 1294ق.)، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، دارالاسوه، 1416ق.

ص: 106

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

